

زیرشم

بافته

های

ایل



امروز در ایل پیدا کردن ردپائی

از هنر بافندگی کارآسانی نیست چندانکه

دیدن دستهای هنرمندانهای که روزگاری

بر تن بافته‌های زیبای ایل می‌چرخید،

امروز تنها به مدد خیال میسر است تا

واقعیت، انگار که ایل یادش رفته آن

همه نقش و نگارها را، آن همه ذوق و

غرور را، راستی امروز ایل چه آسان

پذیرفته است که نمی‌بافد، یا نباید که

ببافد، چه سهل پشت کرده است به آن

همه یادگار هنری ارزشمندش.

ایل سالها است که به این باور

نشسته است، از آن زمان که زنان قالی

باف و هنرمند بختیاری پیر شدند، از

آن دوران که هنرمندانش به شهرها

مهاجرت کردند، ایل می‌داند و این

باور تلخ را قبول کرده است که دیگر راه

بازگشتی برایش وجود ندارد. . . ایل

در زیر فشار سالها مشقت و سختی، سالها تحمل فقر و تنگدستی، دیگر دل و دماغی نداشت که به آفرینش نقشی دل بندد در طی سالها دلواپسی ماندن و زنده ماندن می توانست بافته های ایل بماند، مگر نه این است که آفریدن، نقش آفریدن، گره زدن دل خوش می خواهد و سرمایه، پس در شرایطی که هیچ کدام از این دو نباشد، باید فاتحه هر گونه آفرینش هنری را خواند، چندانکه ایل خوانده است، امروز وقتی از آنها درباره پیشینه بافته های بختیاری می پرسیم، بیشتر سکوت می کنند وقتی درباره این هنر در امروز نیز می پرسیم باز هم بی اعتنا از نبودش می گذرند، و گاه حتی به انکار آن می نشینند، که یعنی هیچ، ایل در این راه سهمی نداشته، آنچه را هم که به اسم قالی بختیاری در چهارمحال بختیاری بافته می شود، ربطی به ایل بختیاری ندارد، آنها در این مورد حق دارند، بافته های ایل سالها است که بدست فراموشی سپرده شده است اما هرچه هست گذشته ایل نشان می دهد که در سایه خلاقیت هنری ایل بختیاری، روزگاری قالی بختیاری برای خودش صاحب اعتباری بود خیلی ها این نوع قالی را می شناختند و اگر چه امروز نام و نشانی از این بافته ها نمانده،

اما هرگز نمی توان سهم زنان هنرمند ایل بختیاری را در باروری بافته های بختیاری نادیده گرفت، گذشته از این مگر می شود قبول کرد که سده ها زندگی شبانی و دامداری ایل بختیاری بی شناسنامه در هنر بافندگی باشد؟ چرا که ضرورت زندگی شبانی ایجاب می کند که این هنر زائیده شود، کدام ایل و یا عشیره ای را می توان سراغ گرفت که آسان از چنین ستون مستحکم اقتصادی اش درگذرد؟ مگر آنکه باور کنیم تنگدلی ها و تنگدستی ها غبار فراموشی بر هنر ایل نشانده باشد.

امروز یاد قالی های بختیاری را باید تنها در دهات چهارمحال جستجو کرد در "چال شتر" نزدیکی شهرکرد، آنجا اگر چه دیگر حضور بافنده ایل را نمی شود دید، اما یاد هنرشان مانده است، بی آنکه دانسته شود، داستان این مهاجرت چه بوده و از کجا سرچشمه گرفته است.

امروز در ایل بختیاری به هنگام اسکان در بیلاق و قشلاق گه گاه زنان بختیاری را می شود در حال بافتن قالی دید اما نه به دلیل آفرینش نقشی که بماند، تنها بدلیل نیاز در برآوردن احتیاجات زندگی اش، با همه میل و بی میلی، امروز تنها نوعی قالیچه ساده

حاشیه‌های زیبایش . . . و یا نقش " ماهی درهم " که انگاری چشم بر رودخانه‌ای پر از ماهی‌های ریزودرشت انداخته‌ای . این نقش‌ها هنوز نمرده است ، هنوز هم می‌توان یادش را در دستهای هنرمندان قالی‌باف‌های "گتوندی" و یا "قهفرخی" و "سامانی" دید ، یادهایی از ایل اما در غربت با ایل .

اما بافته‌های ایل تنها در این نقش‌ها خلاصه نمی‌شود ، بوده‌اند نقش‌های دیگری که امروز سراغش را باید از پیرمردها و پیرزن‌های ایل گرفت ، باید سراغ " قالی ترمه‌ای " را از آنها گرفت همان قالی با ارزشی که انگاری نبوده است و یا قالی گل اشرفی یا به روایت خود آنها " پشم اندر پشم گل اشرفی " همان قالی‌ئی که تمام تار و پودش از پشم بود و بوسیله گل‌های ریز رنگارنگ تزئین می‌شد امروز این نقش‌ها از یادها رفته است ، اصلاً " فراموش شده است ، شاید چون دیگر " بی‌بی " ها رفتند ، شاید چون با رفتن بی‌بی‌ها دیگر سفارشی در کار نیامد ، آن وقت‌ها بافته‌ها تنها به خواست " بی‌بی " های ایل همسران خوانین و پول آنها بافته

می‌بافتند که به آن " خرسک " می‌گویند قالیچه‌ای نرم ، زیراندازی برای خانواده ، با خرجی کم ، بی هیچ دلواپسی یا صرف وقتی ، حتی روی عرضه کردنش راهم به بازار ندارند . گاهی هم که فراغتی دست‌دهد ، گلیم هم می‌بافتند ، اما بی هیچ نقش رایج و خاصی ، دلش خواست نقش تفنگی بر تن گلیم می‌کشد ، دلش خواست اسبی واگربی حوصله‌بود ، همه بی حوصلگی‌اش را در ساده بافی نمایان می‌سازد ، به روایت خودشان بافته‌های ایل "خماخم" شده است ، چیزی به معنای هرچه دل بگوید ، اما آن وقت‌ها ، آن روزگاران دور ، فرمان دل بود اما نه به معنای امروزی‌اش ، زن بختیاری وقتی نقش قالی شاه‌عباسی را می‌آفرید ، وقتی بواللهام از کاشیکاری‌های صفویه می‌کوشید همه عظمت این نقش‌ها را برتن قالی پیاده کند ، " خماخم " مفهومی دیگر داشت ، و یا به تعبیری فرمان ذوق بود تا دل ، آن قالی‌های زیبائی که در چهارگوشه‌اش لچک داشت و در میانه‌اش ترنج و امروز در روستاهای اطراف چهارمحال هنوز هم بافته می‌شود و یا نقش " قابی " با بی‌شمار خشت‌های رنگین برتن قالی و

می‌شد، این نوع بافته‌ها را "بی‌بی بافی" می‌گفتند، با رفتن آنها، ایل دیگر امکان بافتن را از دست داد، زیرا برای زن ایلیاتی که همه ذکر و فکرش یافتن بوته‌های خاری برای گرم کردن تن خانواده‌هاست، چگونه فراغتی می‌توانست وجود داشته باشد که بی‌واهمه از همه باسامانی‌های زندگیش ذوق و هنر ایل

و تبارش را دنبال کند.

زن بختیاری همینقدر بتواند هر سالی لت‌های "بوهون" چادر سیاه خانواده‌اش را بیافد غنیمت است، اصلاً به روایت او عین هنر است، خود هنر است، او حتی امروز امکان بافتن "ماشته" را هم از دست داده است، همانی که روی اندازش بود، امروز برایش تفاوتی



– بافتن "هرج" برای حمل پول که عموماً در اندازه‌های ۷۵ سانتیمتر الی یک متر بافته می‌شود، "هرج" دارای نقش و نگاری نیست و غالباً ساده بافته شده و در آن سند یا قباله خانواده نیز نگاهداری می‌شود.

– بافتن "خور" برای حمل گندم و آرد، "خور" عموماً از خورجین کوچک‌تر است.

– جاجیم و گلیم در نقش‌های ساده، آنهم تنها برای استفاده خانواده و خیلی بندرت.

اما آنچه در این بررسی کوتاه سخت پراهمیت است، لزوم احیای دوباره هنر بافندگی در ایل است، باید که این رشته از اقتصاد سازنده و پرثمر ایل دگربار زنده شود، نباید گذاشت که همچنان خسارت‌های جبران ناپذیری بر پیکره هنر اصیل و پرارزش ایل وارد آید، و نیروی استعداد و خلاقیت زنان ایل به هدر رود امروز بی تردید، روزگار آن است که بافرستادن "استادکارهای" ماهر به ایل بختیاری دگربار به رواج این هنر پر قدر که غبار فراموشی گرفته و رو به نابودی است همت کرد.

ندارد که "لت" را بیشتر ببافد و همه زیرانداز و رواندازش را وسیله آن ته‌مین کند.

و یا هر از مدت زمان درازی، به بهانه آمدن نوروز "چوقا"ئی ببافد برای شوی و یا پسرش، آنهم البته نه همیشه اگر امکان خریدن "چوقا" را از بافندگان "گتوندی" نداشته باشد.

با این همه امروز در ایل بختیاری می‌شود، بافته‌های ایل را در یک جمع بندی مختصر شناخت، بافته‌هایی که اگر "نیاز" به دنبالش نبود چه بسا که آنها هم از میان رفته بودند.

– بافتن "تی‌یر" یا نمکدان که از پشم گوسفند است و داخل آن نمک می‌کنند.

– بافتن خورجین برای حمل وسائل با ارزش خانواده از قبیل پول و یا اگر جواهری در کار باشد و سایر وسائل عمده زندگی، خورجین‌های بختیاری امروز رونق گذشته‌شان را از دست داده‌اند، غالباً با نقش‌های ساده‌ای بافته می‌شود و امروز نمی‌توان هرگز در مقام مقایسه‌شان قرارداد با خورجین‌های گذشته ایل که گاه حتی یک روی آنها را قالی تشکیل می‌داد.